



## مدیریت پس از طلاق وجود ندارد/ زوج‌های جدا شده را تنها رها نکنیم

اگرچه طلاق یک ناهنجاری اجتماعی است اما با گسترده شدن زندگی شهری لزوم پرداختن به مسائل بعد از طلاق و مدیریت اتفاقات بعد از آن مخصوصاً در میان جوانان بیش از پیش احساس می‌شود.

اگرچه طلاق یک ناهنجاری اجتماعی است اما با گسترده شدن زندگی شهری لزوم پرداختن به مسائل بعد از طلاق و مدیریت اتفاقات بعد از آن مخصوصاً در میان جوانان بیش از پیش احساس می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، آسیب شناسان و روانشناسان اجتماعی معتقدند احساساتی نظیر ناامیدی، یاس، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد، فساد اخلاقی و ... مشکلاتی است که ممکن است بعد از طلاق به سراغ زوج‌هایی بیاید که زندگی مشترک خود را از دست داده‌اند.

بر اساس مطالعات جامعه‌شناختی، طلاق فرآیندی است که ابتدا دارد، اما انتهایی ندارد، به این معنا که طلاق صد درصد اتفاق نمی‌افتد و صرفاً این مسئله به شکل حقوقی پایان می‌پذیرد، اما مسائل عاطفی ناخودآگاه در ذهن طرفین می‌ماند.

بسیاری از افرادی که متارکه کرده‌اند خود را فردی ناتوان و فاقد توان کافی برای ازدواج مجدد می‌دانند. مردان و زنان از لحاظ واکنشی که در برابر طلاق از خود نشان می‌دهند با یکدیگر فرق دارند. مردان طلاق را یک حادثه ناگهانی می‌دانند و زنان آن را به عنوان نقطه پایانی بر یک فرایند طولانی قلمداد می‌کنند. شاید به همین دلیل است که زنها کمتر احساس‌های منفی درباره طلاقشان دارند اما این اتفاق برایشان تنش‌زا تر است.

### آسیب‌های زنانه طلاق چیست؟

علی بنی‌اسدی، روانشناس بالینی، استاد دانشگاه و مشاور خانواده در یک تقسیم‌بندی کلی آسیب‌های طلاق را به دو بعد فردی و خانوادگی تقسیم می‌کند و به مهر می‌گوید: ترس از تنهایی پس از طلاق، احساسی است که زنان بیش از مردان ابراز می‌کنند. این ترس بیشتر ناشی از این نگرانی است که آیا شریک زندگی دیگری خواهند داشت؟ ترس از این که نتوانند بدون یک مرد زندگی کنند و فرزندان خویش را به تنهایی بزرگ کرده و شغلی بیابند و از نظر مالی خود و فرزندان‌شان را تامین کنند. این ترس‌ها ناشی از نگاه واقع‌بینانه در زندگی فردی و اجتماعی است.

این استاد دانشگاه دومین آسیب فردی را احساس گناه می‌داند و می‌گوید: گاهی زنان مطلقه با احساس گناه زیادی درباره متلاشی شدن خانواده دست به گریبان هستند. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران مهم‌ترین احساسی که پس از طلاق در پدر و مادری که متارکه کرده‌اند پدید می‌آید، احساس گناه و خیانت نسبت به خوشبختی فرزندان است. به علاوه بیم از آینده‌ای مبهم برای خود و فرزندان، واکنش‌های گوناگونی را در آنان پدید می‌آورد و این وضعیت، احساس گناه را افزایش می‌دهد.

این روان‌شناس بالینی از مشکلات روحی و جسمی، به عنوان سومین آسیب فردی طلاق یاد می‌کند و می‌گوید: نبود همسر و تنهایی پس از طلاق موجب می‌شود که بیشتر زنان پس از جدایی به ناراحتی‌های روحی و جسمی دچار شوند و همچنان نیازهای عاطفی خود را در شوهر سابق خود جست‌وجو کنند.

کمبود معاشرت و تفریح‌ها به علت مسائل شهرنشینی در کلانشهرها، بر مشکلات عاطفی زن می‌افزاید. البته مشکلات روحی پس از طلاق به مراتب بیش از صدمات جسمانی آن است. زن مطلقه به علت نداشتن استقلال اجتماعی از پایگاه اجتماعی معینی برخوردار نیست و به خانواده پدر یا برادر وابسته است.

این مشاور خانواده در ادامه مشکل دوگانگی نقش را آسیب دیگری می‌داند که بر اثر طلاق به سراغ زنان می‌آید و می‌گوید: زنان در ارتباط با فرزندان خود با دوگانگی نقش مواجه می‌شوند و حضور نداشتن پدر، فرزندان را دچار مشکل می‌کند. زن مطلقه برای فرزندان‌ش هم باید پدر باشد هم مادر. مرد نیز در صورتی که کودک با او زندگی کند، باید هم نقش مادر و هم نقش پدر را بر عهده بگیرد.

وی پنجمین آسیب را مشکلات اقتصادی عنوان می‌کند و می‌گوید: یکی از مهم‌ترین مشکلات زنان پس از طلاق مسئله اقتصادی است. این موضوع برای زنان کم‌سواد و فاقد مهارت به صورت حادثه‌تری جلوه می‌کند. واکنش اعضای خانواده نسبت به طلاق و جدایی مختلف است. در برخی موارد آنان نگرانند عضو متارکه کرده خانواده‌شان، از نظر اقتصادی و مالی به آن‌ها وابسته شود. طلاق می‌تواند وضعیت اقتصادی اجتماعی فرد مانند شغل او را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از دیگر مسائل و مشکلات زنان مطلقه، تهیه مسکن و مکانی برای زندگی است.

دایره آسیب‌های فردی طلاق برای زنان بسیار گسترده است، بنی‌اسدی به انزوا و اختلال در هویت اجتماعی به عنوان آسیب دیگر زوج‌های طلاق‌گرفته اشاره می‌کند و می‌گوید: طلاق شرایطی ایجاد می‌کند که به کاهش نفوذ اجتماعی و حتی تضعیف برخی موقعیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی فرد منجر می‌شود.

در برخی مواقع رفتار جامعه با زنان مطلقه به گونه‌ای است که آن‌ها احساس می‌کنند دیگر جایی در جامعه ندارند. فرد مطلقه نه در مقام یک مجرد است و نه در مقام یک متأهل. جامعه ما تعریف و جایگاه مناسبی را برای وی در نظر نمی‌گیرد و نگرش منفی نسبت به فرد مطلقه وجود دارد.

مشاور خانواده کاهش فرصت های ازدواج برای زنان مطلقه را هم به فهرست این آسیب ها اضافه می کند و می گوید: زنان مطلقه نسبت به مردانی که متارکه کرده اند، کمتر ازدواج مجدد می کنند. از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، سن زن و تمایل نداشتن مردان برای ازدواج با زن مطلقه است.

در فرهنگ ایرانی زنان مطلقه برای ازدواج، از اعتبار کمتری برخوردارند و مردی که ازدواج نکرده است کمتر به سراغ آن ها می رود و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده یا همسر خود را طلاق داده اند، به خواستگاری آن ها می روند، در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف مقابل، بسیار تنزل می کند و بسیاری از شرایط ناگوار را به اجبار پذیرا می شود؛ زیرا در غیر این صورت برای همیشه تنها خواهد ماند.

### آسیب های اختصاصی مردان چیست ؟

دکتر پرویز مظاهری عضو انجمن روانپزشکان ایران درباره تاثیرات زیانبار طلاق بر مردان می گوید: از آنجا که بسیاری از مردان توانایی کمتری در کنار آمدن با مشکلات دارند و توانایی روانی زنان در این گونه مسائل بیشتر و علت آن نیز ترشحات هورمون استروژن است، هنگام متارکه، مردان به دلیل وابستگی به همسر از نظر مسائل تربیتی و مسائل حاکم بر زندگی ضربه بیشتری می بینند.

دوگانگی عاطفی و تغییرات خلقی شدید و افسوس احساسی است که بیشتر مردان با آن درگیر می شوند .

دکتر فرید فدایی، روان پزشک هم در این رابطه می گوید: بلافاصله بعد از جدایی، برای بیشتر مردان دوگانگی عاطفی و تغییرات خلقی شدید به وجود می آید. تضاد از این نظر که مردمتارکه کرده همیشه این تردید را دارد آیا تصمیم اش درست بوده یا نه و همیشه با این سوال که آیا می توانسته کار بهتری انجام دهد یا نه مواجه است.

### بین طلاق و دیگر آسیب ها تفاوت قائل شویم

آسیب های اجتماعی بعد از طلاق موضوعی نگران کننده است که هنوز تحقیقاتی برای شناسایی دقیق این مشکل آغاز نشده است .

محمود گلزاری معاون وزیر ورزش و جوانان در این رابطه به مهر می گوید: خانمی که در جامعه طلاق می گیرد از لحاظ شخصیتی با فرد دزد و حتی معتاد متفاوت است و شخصیت او، شخصیت پراسیبی نیست، چرا که این فرد قربانی یک انتخاب و یا یک ناسازگاری شده است.

وی ادامه می دهد : باید بین طلاق و بقیه آسیب ها تفاوت قائل شد و ازدواج با زنان مطلقه نباید در میان جامعه یک فعل مذموم باشد. نگاه منفی به بعد از جدایی باید از بین برود. متأسفانه افراد پس از طلاق رها می شوند و مدیریت پس از طلاق در کشور وجود ندارد. حتی در بسیاری موارد شاهد هستیم که زوج ها پس از طلاق پشیمان شده و با چند جلسه روانشناسی می توان دوباره آنها را به زندگی مشترک با همسرشان برگرداند. به همین دلیل درصدد هستیم کارگروه ویژه طلاق را در وزارتخانه ایجاد و جوانان را پس از طلاق مدیریت کنیم. البته در این کارگروه، تلاش هایی برای کاهش آمار طلاق در سطح جامعه انجام می شود.

گلزاری در مورد راه اندازی کارگروه طلاق می گوید: لازم است همراه با شناسایی راهکارهای پیشگیری از طلاق در زمینه اصلاح موارد قانونی طلاق تلاش کنیم، بنابراین با همکاری معاونت پیشگیری از وقوع جرم و معاونت فرهنگی قوه قضاییه و سازمان بهزیستی این موضوع را پیگیری می کنیم و در این زمینه کارشناسان معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور نیز به ما کمک می کنند.

### گروه های مردم نهاد وارد میدان شوند

اما برای آن که این آسیبها کم تر متوجه جوانان طلاق گرفته شود چه باید کرد ؟ اصغر مهاجری آسیب شناس در این رابطه به مهر می گوید :به جای آنکه حمایت های بعد طلاق را از زوج ها جوان داشته باشیم باید برنامه هایی برای پیش از ازدواج و در نحوه انتخاب همسر پیش بینی کنیم تا عوامل افزایش طلاق را در میان خانواده ها کاهش دهیم. به اعتقاد این آسیب شناس آموزش جامعه پذیری زناشویی در سه سطح روابط زناشویی، روانی و اجتماعی می تواند کمکی برای کاهش آمارهای طلاق داشته باشد. بسیاری وقت ها با یک آگاهی بخشی می شود از رسیدن یک زندگی به نقطه جدایی جلوگیری کرد.

مهاجری ادامه می دهد: اما اگر طلاق اتفاق افتاد تنها کاری که می توانیم انجام دهیم کمک های درمانگرایانه است. باید کاری کنیم که ترکش های عاطفی بعد از طلاق کمتر بر روح و روان زوج ها اثر بگذارد و تلاش کنیم انرژی منفی این حادثه که ممکن است به پرخاشگری و افراط و تفریط های رفتاری بدل شود از روح زوجین بیرون برود. بنابراین یکی از راه کارها روان درمانی است. همچنین باید نگاه های سنگین و قبحی که در خصوص زنان و مردان طلاق گرفته در جامعه وجود دارد از بین برود تا کمتر در این رابطه قضاوت شود.

امان الله قرایی مقدم آسیب شناس نیز در این رابطه به مهر می گوید: اگر زنان و مردان طلاق گرفته را بدون توجه رها کنیم ممکن است به انواع آسیب های اجتماعی دچار شوند .

وی ادامه می دهد: نهادهایی مانند بهزیستی باید برای زنانی که طلاق می گیرند برنامه ریزی داشته باشد و برای آنها که حرفه ای ندارند ، با حرفه آموزی شغل ایجاد کنند.

وی می افزاید: برای کاهش آسیب های روانی باید به دلیل فراگیری طلاق در سنین زیر 30 سال مراکز مشاوره و روان درمانی ایجاد شود و این زوج ها زیر نظر مشاوران و مددکاران اجتماعی تلاش کنند از نظر روحی کمتر دچار آسیب شوند اما صدمه

روحي که طلاق به زنان و مردان مي زند در تمام عمر فراموش نمي شود و شايد گروه درماني نيز در درمان زوج هاي طلاق گرفته موثر باشد .  
اين جامعه شناس تاکيد مي کند: بيش از نهادهای دولتي ، سازمان هاي مردم نهاد هستند که مي توانند مراکز حمايتي از جوانان طلاق گرفته را ايجاد کند.